

## (شجاعت یا ترس از رژیم)

### نگاهی به جوابیه حکیمی به ا.ت.س.ک

در جوابیه ای که اخیراً آقای حکیمی به نقد رفقای ا.ت.س.ک داده اند دو نکته برجسته به چشم میخورد:

1. اخیراً آقای حکیمی جنبش کارگری را به پذیرش آنچه را که خود راه درست و موثر مقابله با رژیم جمهوری

اسلامی ایران میداند دعوت کرده است.

به نظر من آقای حکیمی قبل از اینکه این دعوت نامه شکل و در عین حال بسیار شجاعانه را می نوشتند به نوشته ها

و اسناد جنبش کارگری در ایران و در کشورهای دیگر رجوعی میکردند، تا این مسئله ساده را متوجه میشدند که این

سنت کلاسیک مبارزه طبقه کارگر در ایران (مبارزه مخفی و غیر علنی) فقط با نوشتن دو یا ده صفحه و یا حتی یک

کتاب نمی تواند تغییر کند.

این شرایط سیاسی و اجتماعی یک جامعه میباشد که تاکتیکها و روشهای مبارزه را تعیین میکند، این قدرت تشکل

طبقاتی و میزان پیشروی جنبش کارگری در عرصه سیاسی و اقتصادی ایران است که این روشها را تعیین میکند نه

نسخه پیچیده‌های شخص آقای حکیمی. وی اگر کمی مطالعات تاریخی داشتند متوجه میشدند که به غیر از مقاطع خیلی

کوتاه، فعالان کارگری در ایران همیشه در یک اختناق سیاسی مجبور به فعالیت مخفی بوده اند یعنی اختناق یک ویژگی

مهم و بارز فضای سیاسی ایران بوده و طبقه کارگر تمام تجربیات خود را از این مبارزه مخفی دارد. این به آن معنا

نیست که ما همیشه باید این سنت را ادامه بدهیم، ولی تغییر شیوه های مبارزه احتیاج به شرایط دموکراتیک تری و نیز

توازن قوای سیاسی در جامعه دارد. آقای حکیمی تکلیف خودتان را مشخص کنید شما یا با کار سیاسی رادیکال

کارگران موافقید که در آن صورت شما از فعالیت علنی چه منظوری را دنبال میکنید؟ چون با این فضای سیاسی شما

باید بر بسیاری از انتقادات سیاسی تند و تیز خود افسار بزنید و به قول خودتان کارهای با تأثیر کرد. یا با کار سیاسی

مخالفت که در آن صورت علناً آن را اعلام کنید، هر چند که از نوشته های شما چیزی بیشتر از این نمی توان برداشت کرد.

2. آقای حکیمی با سخن گفتن از سرنگونی جمهوری اسلامی شاید مشکلی نداشته باشند ولی با روش انقلابی

و خشونت آمیز اصولاً مشکل دارند همچنانکه خود با افتخار اعلام می دارند که در حضور قاضی دادگاه علناً گفتم که:

که من با جمهوری اسلامی مخالفم و خواهان تغییر آن هستم و در جواب این سوال که پس شما برانداز هستید گفتم که

نه من در چارچوبی مسالمت آمیز برای تغییر جمهوری اسلامی مبارزه میکنم...

البته نمی توان به روش آقای حکیمی ایرادی گرفت، آدمها مجازند که هر راهی و هر گزینشی برای خود انتخاب کنند

، آقای حکیمی قبلاً هم در این زمینه در افشانی کردند، اما جالب است بدانیم که آقای حکیمی خوشبختانه در حال پیدا

کردن مرجع تنوریک خود که آقای هانتیگتون مشهور و مد روز شده لیبرالهای ایران است، میباشد. تغییری که مدنظر

ایشان است نهایتاً فقط به دموکراتیزه شدن جامعه منجر میشود که برگرفته از سه روش برای پروسه دموکراتیزاسیون

هانتیگتون میباشد که شامل:

1. جایگزینی (براندازی) (Replacement) نظیر سقوط مارکوس در فیلیپین و سقوط رژیم جانوشسکو در رومانی. 2. استحاله (یا تغییر شکل) (Transformation) نظیر گذار از دیکتاتوری در اسپانیا پس از فرانکو به پادشاهی مشروطه خوان کارلوس، یا گذار از حکومت نظامیان در برزیل با انتخابات آزاد. 3. جابجایی (transplacement)، نظیر واگذاری قدرت از طرف حکومت آپارتاید در آفریقای جنوبی، یا واگذاری قدرت از طرف حکومت حزب کمونیست در چکسلواکی. (آدرین، ایرج-پارو 17-18 اپوزیون لیبرال بالهای...)

آنچه که مدنظر آقای حکیمی ست همان حالت استحاله و یا جابجایی میباشد که در هر دو حالت {هم یک گروه از حکومتگران خواهان اصلاحات تدریجی دموکراتیک در رژیم موجودند و هم یک اپوزیسیون میانه رو دموکرات وجود دارد که اهداف خود رانه از طریق تغییرات شدید بلکه با روشهای آرام و گام به گام دنبال میکنند.} (همان منبع)

البته با این تفاوت که در حال حاضر آقای حکیمی شرکائی سیاسی خود را در چند سال اخیر از دست داده و در حال حاضر تا حدودی تنها مانده اند.

باز هم جای خوشحالیست که آقای حکیمی هنوز آنقدر شجاعت دارند که علناً در جنبش کارگری این نظرات را ابراز و علناً از سندیکالیسم و رفرمیسم دفاع کنند.

آقای حکیمی شما تا به حال چرا آلترناتیوی را که به جای جمهوری اسلامی مدنظرتان است اعلام نکرده اید؟ نکند از علنی کردن نظرات واقعتان ابائی دارید؟ چرا منظور خودتان از یک جمهوری اسلامی تغییر یافته را بیان نمی کنید؟ آیا شما می خواهید در چهارچوب نظام کنونی آلترناتیو خودتان را به اجرا در بیاورید؟ شاید واقعاً آنچه را که باید میگفتید، گفته اید و دیگر چیز دیگری برای گفتن در جنبش کارگری ندارید؟ چرا جنبش کارگری فقط یک جنبش اجتماعی ضد سرمایه داریست نه یک جنبش سیاسی و اقتصادی علیه آن؟

براستی آقای حکیمی در مسیر منحرف کردن جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر قدم بر میدارند، در مسیری که باید مواظب بود که به تریج قبای اسلام و مسلمین بر نخورد، در مسیری که وظیفه کارگر فقط مبارزه روزمره اقتصادی و نه مبارزه سیاسی میباشد، و یا لااقل در موقعیت کنونی اینجوریست.

آقای حکیمی، هر حرکت طبقه کارگر در امروز ایران مستقیماً سیاستهای ضد کارگری جمهوری اسلامی را نشانه میگیرند ولی مشکلی که وجود دارد عدم متشکل بودن طبقه کارگر است. مبارزه طبقه کارگر در نفس خود مبارزه ای سیاسی ست. هیچ کدام از ما فکر نمی کنیم که قانون کار از آسمان نازل شده است، بلکه تصویب شده یک دولت سرمایه داریست برای پشتیبانی از یک سیستم سرمایه داری.

آقای حکیمی شما با این نظراتتان در مورد کار علنی طبقه کارگر را از کار سیاسی دور میکنید، در وضعیت کنونی ایران که شما و رفقای دیگر را به جرم برگزاری مراسم اول ماه می که حق مسلم هر کارگری است، دستگیر کردند سخن راندن از کار علنی برای فعالین کارگری چه معنایی می تواند داشته باشد؟

آقای حکیمی با طرح این مسئله که فعالیت در داخل و خارج کشور تفاوت دارد و اینکه ایشان زیر تیغ فعالیت میکنند (چیزی که اگر منظوری پشت آن نباشد نیازی به گفتن ندارد) می خواهد چه چیزی را ثابت کند؟ به نظر من که ایشان می خواهند جنبش کارگری را از کسانی که سالها در خارج کشور سعی بر زنده نگاهداشتن سنت های مبارزه داشتند، و از کسانی که زمانی خود به دلیل اختناق فضای سیاسی مجبور به مهاجرت و فعالیت مخفی شدند، محروم کند و ایشان خود در داخل کشور میدان داری کند. باید بگویم کسی در خارج کشور کورس مسابقه با فعالین داخل کشور نگذاشته است، که حالا حکیمی را رقیب خود بدانند و سعی کند میدان را از وی بگیرند، این تفکر **فرقه گرایانه** خود آقای حکیمیست. زمانی که این فعالین زیر شکنجه و اعدامهای حکومت اسلامی جان میباختند و طبقه کارگر از بودن آنها محروم میشد شما کجا بودید؟

3. ایشان شاید مشکلشان با تغییر و آژگان و آوردن و آژهای مودبانه در مباحث امروز چپ حل شود چون اصولاً وی مشکل را بسیار سطحی میبیند و آنرا در سطح رفرم قابل حل میداند پس باید مواظب شخصیت حضرات عالی حکومت بود مبادا خاطرشان مکدر گردد و به طبع آن همه تلاشهای صدساله طبقه کارگر به باد رود تلاشهایی که در قالب سنت مبارزه ای، آقای حکیمی هیچ توجهی به آن ندارد و میخواهد یکشنبه آن را متحول سازد. ما باید از شما بپرسیم که چرا به جای و آژگانی چون: (دستگاه قضایی رسوا و یا بیدادگاه کارگران) کلمات مودبانه (دادگاه انقلاب سقر را به کار برد) مگر شما قصد دارید به آنها مشروعیت بدهید دادگاهی که دستور قتل عام کشتارهای 1367 را صادر کرد و الانش هم اگر فشارهای جنبش کارگری و تلاشهای رفقای چپ در خارج کشور نبود باز هم این موارد به کرار تکرار میشد. ما باید بگوییم که شما چه مشکلی با این کلمات دارید؟

در آخر باید اشاره کنم که آقای حکیمی بعد از بر قلم آوردن کلماتی نه چندان زیبا برای تمام کردن جوابیه، دست پیش گرفتند که پس نیفتند، از اس.ک میخواهد که از ایشان حمایت نکنند چون ایشان لازم نمیبینند، اولاً آقای حکیمی کمی تمرین انتقادپذیری کنید چون حتماً در آینده لازم میشود. دوماً شما جواب خودتان را دادید، کسانی که کمپینهای همبستگی گذاشتند به قصد متشکل کردن طبقه کارگر بوده نه به خاطر گل روی شما.

بهنام فروزش